

آیات الاحکام

○ آیات الاحکام

○ کاظم مدیرشانه چی

○ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاهها (سمت)

○ چاپ اول: تابستان ۱۳۷۸ - تهران

○ سید علی محمد رفیعی



دانشجویان رشته الهیات در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس آیات الاحکام به ارزش ۴ واحد تدوین شده است. ناشر کتاب (سمت) اظهار امید کرده است که از این اثر علاوه بر جامعه دانشگاهی، طلاب حوزه‌های دینی و سایر علاقه‌مندان نیز بهره‌مند شوند.

مؤلف از چهره‌های شناخته شده، پرتجربه و زمانشناس در تدریس، تحقیق و تألیف کتب و مقالات علوم قرآن و حدیث است و دو اثر معروف وی علم الحدیث و درایة الحدیث، آثاری درسی، مرجع و سهل الوصول در حدیث پژوهی اند که به زبان امروز نوشته شده و بارها به طبع رسیده‌اند.

○ آیات الاحکام چیست؟

مؤلف کتاب در «مقدمه‌ای»، از منابع قوانین یا احکام اسلامی سخن گفته و ذکر کرده است که برخی از این منابع از همان آغاز مورد استناد مسلمانان بوده است و در استناد به آنها همه اهل اسلام تا به امروز متفق القول اند اما برخی دیگر در زمان‌های بعد به منابع اصلی افزوده شده‌اند و گاه تنها مورد قبول گروهی از مسلمانان‌اند. در این میان کتاب خدا و سنت پیامبر را در شمار دسته اول باید دانست. وی سپس به

«یکی از اهداف مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاهها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنای و مسایل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها را که به اختصار سمت نامیده می‌شود تصویب کرد.

هدف سازمان ((سمت)) این است که با... همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در هر کدام از رشته‌های علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.» (از «سخن سمت» در صفحه چهارم کتاب آیات الاحکام)

کتاب آیات الاحکام تألیف استاد کاظم مدیرشانه چی برای

○ روش مؤلف

مؤلف در ضمن مقدمه خویش، زیر عنوان «روش ما» به تشریح روش نویسندگان آیات الاحکام در تدوین کتاب‌هایی در این باره پرداخته و سه روش را برشمرده است. این سه روش عبارت‌اند از: ۱) تدوین به ترتیب سوره‌های قرآن (روش بیشتر علمای اهل سنت)؛ ۲) تدوین به ترتیب ابواب فقهی (روش بیشتر علمای شیعه)؛ ۳) تدوین به ترتیب نزول احکام. مؤلف در این میان با ذکر دلایلی روش دوم را پسندیده و آن را برای تدوین کتاب حاضر برگزیده است.

○ روش ارائه مطالب

مؤلف در مقدمه کتاب روش ارائه مطالب را در هر موضوع و مسأله به این نحو بیان کرده است:

«در این مختصر نخست آیات مربوطه یکایک ذکر شده است آن گاه لغات و کلمات دشوار هر آیه با استمداد از کتب لغت و تفسیر معنی شده؛ سپس ترجمه آیات (از روی خلاصه‌التفسیر شادروان استاد الهی قمشاهی...) با مختصر تصرفی نوشته شده و در آخر احکامی که از آیه مستفاد می‌شود به ترتیب ذکر شده است.»

وی سپس به روش کتاب درباره ذکر اقوال مذاهب مختلف می‌پردازد: «با اختصاری که در این مختصر مقصود نویسنده بود، جزء در موارد مهم، اقوال مذاهب اهل سنت نیامده است. به علاوه این کتاب برای پیروان مذهب امامیه نوشته شده است. لذا جز در استخراج لغات، که از کتب اهل فن چه شیعه و چه سنی استفاده شده، مرجع اصلی، کتب آیات الاحکام امامیه بوده است.» (ص ۶)

در پایان مقدمه، مؤلف بر دشواری اختصار و انتخاب مطالب از منابع تأکید می‌ورزد.

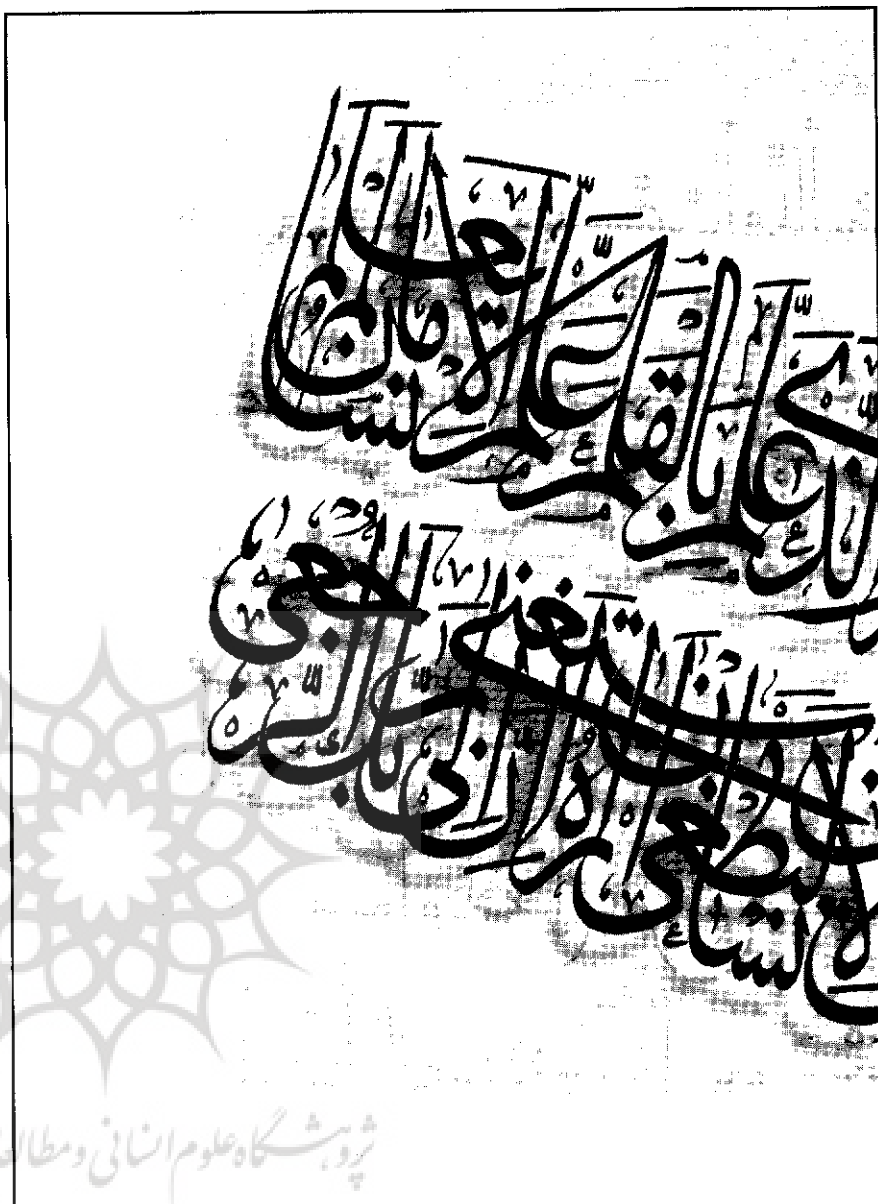
○ مندرجات کتاب

مندرجات کتاب آیات الاحکام علاوه بر «پیشگفتار» و «مقدمه» مؤلف ۱۸ فصل یا بخش را شامل می‌شود که عنوان «کتاب الله» دارند و شامل کتاب‌های طهارت، صلوٰه، ذکوة، خمس، صوم، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، مکاسب، تجارت، دین و توابع آن، عقود، نکاح، مطاعم و مشارب، میراث، حدود، جنایات، قضا و شهادت می‌شوند.

○ سخنی با ناشر

روی سخن نگارنده در این که کتاب چه چیزی کم دارد و با ملاحظه کدام جوانب و نکات می‌شد آن را بهتر از این ارائه کرد با مؤلف محترم و ارجمند نیست. زیرا ایشان در حد وسع و توان خود برای این اثر از وقت، نیرو و اندیشه خویش مایه گذاشته‌اند و مشغله فرهنگی و آموزشی و دشواری‌های کار در سنین بالا بیش از این مجال تدقیق و وسواس در محتوا و به ویژه شکل تدوین کتاب به شخص نمی‌بخشد. (ایشان با وقوف به این حقیقت کوشیده‌اند از یک متن دیگر آن هم تنها در حد اندک نگارش ترجمه آیات کمک بگیرند.) کتاب در همین حد نیز اثری ارزشمند و مفید است و اطلاعاتی بسیار به مخاطب خویش ارزانی می‌دارد.

افزون بر این مؤلف دانشور کتاب، خود را متواضعانه به این نکته معترف دانسته است که کار وی «در این مرحله گامی ابتدایی است نه بایسته و شایسته وحی الهی.» و اظهار امیدواری کرده است که این اثر «دانش پژوهان را به مضمون «مالایدرک کله لایترک کله» مفید افتد و



تعریف علم فقه و تعریف «کتاب» پرداخته و به این تعریف رسیده است که: «مراد از آیات الاحکام آن دسته از آیات قرآن کریم است که مبین یکی از احکام عملیة دین مبین اسلام باشد.» (ص ۲ کتاب)

○ نیازها و هدف‌ها

در ادامه مقدمه، مؤلف به ذکر، تاریخچه‌ای مختصر و مفید از نگارش کتب احکام القرآن تا زمان حاضر پرداخته و برخی از نقاط قوت هریک از کتب معاصر را برشمرده است. وی سپس به ذکر عللی می‌پردازد که به خاطر آنها کتاب‌های چند دهه اخیر با وجود مزایای خود نمی‌توانند مناسب تدریس در دانشگاه باشند. در نتیجه بر نیاز به این کتاب و هدف تدوین آن به گونه‌ای که هست، چنین تصریح می‌کند: «بنابراین کتابی که برای دانشجویان راه‌گشا باشد در دست نداریم و همین امر این جانب را به تألیف کتابی مختصر برانگیخت تا دانشجویان با وقت محدود و فرصت اندکی که دارد بتواند طی دوران تحصیل در دانشکده، تفسیر آیات الاحکام و گونه استنباط حکم را از آیه بیاموزد...» (ص ۴ کتاب)

عالمان را اشارتی باشد که این مهم را چنان که بایسته است دنبال کنند.» (ص شش: «پیشگفتار»)

روی سخن با ناشر کتاب - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) - است:

نیاید از مؤلف انتظار داشت که همه جوانب و مسؤولیت‌های تألیف یک اثر وزین و وقت‌گیر را خودبه‌خود به عهده بگیرد بی‌آن که ناشر خدمات مشاوره و ویرایش فنی و تخصصی اهل نظر را به رایگان در اختیار او بگذارد.

ناشر نیز نباید از خود انتظار داشته باشد که هر روز بیش از پیش کیفیت کار خود را ارتقا بخشد و در عالم کتاب و دانش و جامعه پیشرفتی پدید آورد بی‌آن که توقع خود را از کتاب و کیفیت انتشارات خویش بالا ببرد و بر کل مجموعه و بر جزء جزء فعالیت‌های انتشاراتی خود سیاستی مبتنی بر دیدگاه‌های کارشناسی حاکم سازد که برخاسته از نگاه نو به مسایل و ملاحظه نیازهای زمان و زمانه باشد.

در هر حال بدون توجه به این نکته‌ها و ضرورت‌ها در کار نشر کتاب، توقع کتاب بی‌عیب و نقص و به‌روز از پدیدآورنده نباید داشت.

به همین منظور پیشنهاد می‌شود که انتشارات سمت شوراهایی را برای سیاست‌گذاری و بررسی کتاب تشکیل دهد. برای نمونه می‌توان از سه شورا یا هیأت زیر که پیش‌نیازهای تولید هر کتاب‌اند نام برد:

۱) شورایی برای تعیین اهداف و سیاست‌های کلی کتاب‌های علوم انسانی از جمله کتب علوم اسلامی از نظر شکل و محتوا و بهره‌گیری از تجارب دیگر ناشران دولتی و خصوصی موفق و مشابه.

۲) شورایی برای تعیین اهداف و سیاست‌های کلی و شیوه تدوین و ارائه مطالب هر کتاب با شرکت مؤلف.

۳) تعیین هیأتی که مؤلف را در تدوین کتاب یاری رسانند. این یاری‌ها در مرحله اول شامل همفکری و هم‌اندیشی با مؤلف و ویرایش محتوایی اثر می‌شوند و در مرحله بعد به تهیه فهرست‌ها، نسخه‌پردازی، ویرایش‌های ادبی، تعیین حروف، سیاست‌های صفحه‌آرایی و نمونه‌خوانی می‌انجامد.

برای نمونه درباره کتاب آیات الاحکام نکات زیر را می‌توان به عنوان برخی پیشنهادها برای اصلاحی برشمرد:

۱. اهداف کتاب، نیازهای زمان و مخاطبان

از آنجا که ائمه شیعه بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که برای هر سخن ما مأخذی از قرآن بجوئید؛ از آنجا که شیعه و اهل سنت در بسیاری از احکام خود کاملاً مغایر یکدیگر عمل می‌کنند؛ از آنجا که امروزه وهابیت از پشتوانه‌های فرهنگی، تبلیغی و حتی نظامی بسیاری برخوردار گشته و دامنه تبلیغ آن به داخل مرزهای ما نیز کشیده است؛ از آنجا که شعار «حسبنا کتاب الله» نه در جنبه‌های ایجابی که در جنبه‌های سلبی خویش می‌تواند برخی اعتقادات و اعمال هر مسلمان را اعم از شیعه یا سنی به چالش فراخواند؛ از آنجا که اعتقاد و عمل هر مسلمان باید بر پایه قرآن بنا شود تا تردید وی در حدیث به تردید وی در اسلام نینجامد؛ و از آنجا که هر جوان شیعه باید مجهز به پاسخی از قرآن در برابر هر مسلمان اهل تردید باشد؛ لازم است کتب آیات الاحکام برای جوان حوزوی و دانشگاهی امروز به گونه‌ای تدوین یابد که وی را در همه موارد بالا یاری رسانند و هدف آنها پاسخگویی به نیازها و ضرورت‌های

فوق باشد.

اما برای نمونه در صفحات ۱۰ و ۱۱ کتاب، آیه وضو را می‌بینیم بی‌آن که توضیح استدلالی کافی درباره اثبات نظریه شیعه در برابر اهل سنت برای کیفیت وضو داشته باشد. (تنها ذکر کوتاهی - بدون استدلال - از موارد اختلاف شیعه و اهل سنت آمده است. در پانوشتن نیز تنها به یک جمله برای استناد به حرف «ب» - در «بروؤوسکم» - برای تبعیض در مسح سر اکتفا شده است.)

این در حالی است که نمودارترین اختلاف فریقین که در هر روز پنج بار به چشم می‌خورد، همین کیفیت وضوست.

۲. برخی مشاوره‌ها و ویرایش‌های محتوایی

در صفحات ۲۸۷-۲۸۹ کتاب، آیات مرتبط با شرب خمر - از جمله آیه ۹۰ سوره مائده - آمده و مراحل چهارگانه حرمت آن بیان شده است. در پایان می‌خوانیم: «فاضل مقدار نقل کرده است که بعضی، هریک از آیات چهارگانه مذکور را دلیل بر حرمت خمر دانسته‌اند. او سپس استدلال آنان را نسبت به هر آیه نقل کرده است چون به نظر مخدوش است از نقل آن صرف نظر شد.»

در اینجا باید این مشاوره به مؤلف ارائه می‌شد که:

اولاً، ارائه چنین جملاتی در پایان این بخش موهم این معنی است که حرمت خمر مستندی از قرآن ندارد یا این که استناد به آیات قرآن برای حرمت خمر محل اشکال است.

ثانیاً، در ذکر آیات مرتبط با این موضوع، آیه‌ای مهم - که آیه بعد و ادامه آیه ۹۰ سوره مائده است - از قلم افتاده است: «انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یرید ان ینزلکم عن الصلوة فهل انتمهم منتهون». به ویژه جمله آخر آن (فهل انتم منتهون) که مبالغه در نهی و تهدید و وعید است.

ثالثاً، فاضل مقدار همانند مؤلف در «کتاب المکاسب» به ذکر آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده پرداخته و توضیحات ارزشمندی آورده است. اما فاضل مقدار خواننده را در بخش حرمت خمر به کتاب مکاسب نیز ارجاع داده است تا موضوع را پی بگیرد. شایسته بود مؤلف نیز خواننده را به همان بخش در کتاب خویش ارجاع می‌داد.

رابعاً، مؤلف در بخش آیات حرمت خمر به ذکر استدلالی ضعیف از سید مرتضی پرداخته و آن را رد کرده است. این بخش به راحتی قابل حذف است.

خامساً، باتوجه به اهداف کتاب و اختصار آن، بهتر است از ذکر دلایل ضعیف و در نتیجه رد آنها خودداری شود.

در ترجمه آیات کتاب نیز این مشاوره را می‌شد به مؤلف داد که استفاده از ترجمه شادروان الهی قمشه‌ای باتوجه به اشکالاتی که دارد به صلاح نیست و بهتر است مؤلف از یکی - دو ترجمه دقیق‌تر و جدیدتر به عنوان مأخذ بهره ببرد و در صورت لزوم صرف لازم را در آنها پدید آورد تا ترجمه خالی از تسامح و برخوردار از زیبایی و روانی لازم باشد.

ترجمه آیات در کتاب حاضر اولاً در بسیاری موارد تفاوت محسوسی با ترجمه شادروان الهی قمشه‌ای دارند و ثانیاً خالی از اشکال در ترجمه نیستند. به عنوان مثال مقایسه کنید ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای برای آیه ۳۴ سوره نساء - الرجال قوامون علی النساء ... - را با ترجمه کتاب حاضر که تفاوت واژه‌ها در آن بسیار است. به ویژه در ترجمه الهی

لازم است کتب

آیات الاحکام برای جوان

حوزوی و دانشگاهی امروز

به گونه‌ای تدوین یابد که

پاسخگوی پرسش‌ها و

تردیدهای زمانه و

برآورنده نیازهای عقیدتی

او باشد.

کتاب در همین حد نیز

اثری ارزشمند و مفید

است و اطلاعاتی بسیار به

مخاطب خویش ارزانی

می‌دارد



پیشرفت ناشر در گرو
بالا رفتن توقع وی از
کتاب، بهره‌گیری از نظر
کارشناسان و صاحبان
اندیشه، نگاه نو به
مسایل و ملاحظه
نیازهای زمان و زمانه
است

قمشه‌ای از «بما فضل الله بعضهم علی بعض» برتری بعضی بر بعضی ذکر شده است (که با حذف ضمیر خالی از تسامح نیست) و در ترجمه کتاب حاضر فزونی و برتری بعضی از انسان‌ها بر بعضی آمده است (که به جز تفاوت با ترجمه الهی‌قمشه‌ای، ضمیرهای «بعضهم» و «بعضی» به «انسان‌ها» ارجاع داده شده‌اند که در آیه نیستند). درست آن بود که ضمیر در «بعضهم» به «الرجال» و ضمیر در «بعضی» به «النساء» ارجاع داده می‌شد.

مؤلف سپس به تفسیر آیه براساس نظریه برتری عقلی و مزایای طبیعی و جسمی مردان نسبت به زنان پرداخته است. به عبارت دیگر، این نظریه مسلم فرض شده و در کنار آیه قرار گرفته و از آن نتیجه‌گیری شده است. اما واقعیت این که نظریه برتری عقلی، فکری و جسمی نوع مرد نسبت به نوع زن فاقد پایه‌هایی محکم است. این ادعا، در قرآن کریم شاهدهی محکم ندارد، روایات معتبر آن را تأیید نمی‌کنند، عقل و تجربه، خلاف آن را می‌گویند و روش علمی نیز پشتوانه این نظریه نیست. چه بسا زنانی که از نظر نیروی فکری، جسمی و عقلی برتر از مردان محیط خویش‌اند. حتی عقل و فکر و نیروی بدنی بسیاری زنان، بیش از شوهران آنهاست همان‌گونه که برخی مردان از نظر جسمی، فکری یا عقلی برتر از مردان دیگرند. تنها عقل تجربی برخی مردان که کار بیرون از خانه دارند، در زمینه همان کار، بیش از زنانی است که تنها در خانه به سر می‌برند، چنان که عقل تجربی زنان خانه‌دار در تدبیر منزل بیش از عقل تجربی مردانی است که خانه‌داری نمی‌کنند، و همان‌گونه که عقل تجربی هر مرد در رشته کاری و تخصص خود بیش از مرد دیگری است که در رشته‌های دیگر به فعالیت می‌پردازد. بر این اساس، زمانی که پای عقل تجربی و تخصص در میان باشد، عقل تجربی زنان سیاستمدار، زمامدار، مدیر، وزیر، وکیل، استاد و متخصص بیشتر از مردانی خواهد بود که از نظر تحصیل، تجربه، سابقه کار و رده شغلی پایین‌تر از آنها هستند.

اگر برخی گذشتگان پنداشته‌اند که عقل فطری زن کمتر از مرد است، توان فکری و جسمی زنان بیسواد و خانه‌نشین را در مسایل سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی، با مردان زمامدار، بازرگان، جنگاور و دانشمند قیاس کرده‌اند که البته قیاس مع الفارق و خلط عقل فطری با عقل اکتسابی است. به عبارت دیگر، گونه‌ای عدول از روش علمی است و صدور حکم کلی براساس مشاهده مواردی جزئی که در شرایطی مساوی نیستند، به علاوه استنتاج از مقدمات مربوط به عقل اکتسابی به نتیجه مربوط به عقل فطری.

به هر حال، تنها در صورتی می‌توان حکمی علمی درباره کاستی نوع زنان نسبت به نوع مردان در زمینه‌ای صادر کرد که دو جامعه نمونه و متنوع از زنان و مردانی هم‌نژاد و هم‌سال با پیشینه آموزشی، فرهنگی و تجربی مشابه، در شرایطی مساوی، آموزش مشابه جدیدی را که مورد علاقه آنهاست ببینند و تجربه‌های کاری مشابهی را از سر بگذرانند و سپس آزمون‌هایی مشابه از آنها گرفته شود. اگر نتیجه چنین آزمونی، برتری میانگین امتیاز مردان بر میانگین امتیاز زنان باشد، آن گاه است که می‌توانیم بگوییم استعداد مردان در آن نژاد و سن و آن زمینه فعالیت، بیش از زنان در آن نژاد و سن و آن زمینه فعالیت است. اگر با ذهن خالی به یافتن مراجع ضمیر در آیه بپردازیم و آیات قبل

را درباره فضیلت و برتری مالی مرد در سهم الارث بنگریم، بی‌گمان، برتری و فضیلت عقلی، فکری و جسمی مرد را از این آیات نخواهیم دریافت. از نظر روایی نیز در تفسیر نورالثقلین به نقل از عیون اخبار الرضا می‌خوانیم که امام رضا (ع) در توضیح علل برتری سهم الارث مرد، به همین آیه درباره انفاق مرد نسبت به زن اشاره می‌فرماید.

۳. ویرایش‌های صوری

از دیدگاه ویرایش صوری (رو ویرایش) به چند نکته کلی در این کتاب اشاره می‌شود و یک مثال نیز ارائه می‌گردد:

(۱) آیات فاقد اعراب‌گذاری‌اند، لزوم درج اعراب‌ها به ویژه برای دانشجویان، جوانان و دیگرانی که آیات را در حافظه ندارند، نیازمند توضیح بیشتر نیست.

(۲) نوع حروف و اندازه آنها با میزان اصلی و فرعی بودن عنوان‌ها مطابقت ندارد. مثلاً اندازه حروف برخی عنوان‌های فرعی برابر حروف آیات و آن هم برابر عنوان‌های فرعی‌تر است.

(۳) بخش‌هایی که به ارائه لغات مشکل و معانی آنها می‌پردازد فاقد یکنواختی در شیوه ارائه، و نیز محروم از تنوع حروف (سیاه / نازک / ابرنیک) برای لغات و معانی آنها در تفاوت با متن‌اند.

(۴) کتاب از نظر برخی اعراب‌گذاری‌های لازم به منظور قرائت صحیح واژه‌ها و عبارات، کاستی‌هایی دارد. به یک مثال از مورد مشکل قرائت در یک عبارت اشاره می‌شود:

در پانوشت صفحه ۳۱۸ کتاب می‌خوانیم: «اصل عدم جواز [اسطر بعد:] زاید است». طبیعی است که خواننده در بار اول، دوم و گاه سوم چنین بخواند: «اصل عدم جواز، زاید است» و اگر از اهل فن باشد سرانجام به این نتیجه برسد که مطلب به مدد اعراب گذاری لازم باید بدین گونه ارائه می‌شد: «اصل، عدم جواز [اسطر بعد:] زاید است».

۴. فهرست‌ها و عنوان‌های فرعی

کتاب به‌جز فهرست ابواب اصلی، فهرستی - حتی فهرست تفصیلی مندرجات - ندارد. بنابراین برای یافتن حکم یک موضوع، خواننده باید باب را ورق بزند و مطالعه‌ای سریع کند تا به موضوع و مسأله مورد نظر برسد.

همچنین ارائه نمایه موضوعی در انتهای کتاب، می‌توانست به یافتن احکامی که آیات آنها در کتاب پراکنده است، کمک کند. دیگر فهرست‌ها نیز هر یک فایده خود را داشتند.

○ تقاضای ناشر

خوشبختانه ناشر در این زمینه خود معتقد به کار حساب شده و سنجیده با یاری اهل فن است و در صفحه چهار کتاب زیر عنوان «سخن سمت» می‌آورد:

«دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحبان نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌هایی بی‌پای در باب نظر به دست آید و انتظار دارد که این بزرگواران از این همکاری دریغ نوزند...»

از استادان و صاحبان نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود این سازمان را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار موردنیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.»

